

# پژوهش و شهر دانش مدار

L دکتر غلامرضا عباس زاده

شهر دانش مدار از مفاهیم جدید در حوزه مدیریت شهری است که با توجه به مسائل و مشکلات روز افزون شهرها و لزوم مدیریت این سیستم بر مبنای "دانش" مطرح گردیده است. در این اصطلاح، "دانش" برداشتی است که از طریق تجربه، استدلال، شهود و یادگیری به دست می آید و افراد زمانی می توانند دانش خود را گسترش دهند که دیگران دانش خود را به اشتراك بگذارند و در نتیجه ترکیب دانش افراد با یکدیگر، دانش جدیدی خلق شود. بنابراین دانش تنها در قالب مدارك و اسناد یا گنجینه های دانش بروز نمی یابد، بلکه در رویه ها، فرآیندها، عملکردها و هنجارهای سازمانی نیز نهفته است.

شهر دانش مدار رویکردی توسعه ای است که هدف نهایی آن دستیابی به توسعه شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی است. این شهرها می توانند با بهره گیری از دانش، راه حل های مؤثری برای مشکلات یافته و در عرصه رقابت جهانی، فرصت های تازه ای را ایجاد نمایند.

هرچند برخی، ویژگی های شهرهای دانش مدار را نسبت بالای دانشجویان و دانشگاهیان، تنوع جمعیتی بالا، سطح بالای کیفیت زندگی، دسترسی آزاد به اطلاعات، زیرساخت های دانش و ... بر می شمارند اما واقعیت آن است که در این گونه جوامع، خلاقیت و نوآوری به قشر خاصی محدود نگردیده است و همه افراد جامعه باید خلاق و نوآور باشند.

در این شهرها، دانش آفرینی و سرمایه گذاری در استخراج، انتشار و ارائه دانش جهت تولید محصولات و خدمات دارای ارزش افزوده هم از طرف بخش خصوصی و هم از طرف بخش عمومی پشتیبانی می شود که در نهایت موجب تولید ثروت در جامعه می گردد.

بنابراین ویژگی های یک شهر دانش مدار را می توان شامل فراهم بودن زیرساخت های شهری، فرهنگ تقسیم دانش، توسعه دانش مدار، شبکه های فناوری اطلاعات و طراحی شهری مطلوب دانست.

اما آنچه مسلم است دانش حاصل تجربه است و تجربه با کنجکاوی و جستجو که همان پایه های پژوهش است ایجاد می شود، لذا جهت دستیابی به شهر دانش محور، پژوهش و نوآوری در رأس قرار می گیرد. پژوهش و تحقیق زیربنای دانش محوری بوده و شهر دانش محور باید پژوهش دانش محور و پژوهشی که دانش جدیدی به دانش دنیا اضافه می کند را در اولویت قرار دهد. در این رویکرد، پژوهش ها و تحقیقات دارای برخی ویژگی ها می باشند:

\* پژوهش دانش محور بیشتر توسعه کیفی پژوهش است تا توسعه کمی آن. لذا باید دانش جدیدی تولید کند که بتواند راهبر تحولات اقتصادی و اجتماعی بوده و اثربخشی و کارایی را به حداکثر برساند. بدیهی است مشابه سازی یا غرق شدن در جریان های عملی و دنباله روی در پژوهش نمی تواند دانش محوری یا توسعه دانش محور را به دنبال داشته باشد.

\* محصول پژوهش دانش محور باید در قالب تکنولوژی و کالا تبلور یابد. پژوهشی که انجام گردیده و در قفسه کتابخانه جای گیرد، از ارزش مطلوب برخوردار نبوده و نمی تواند باعث هم افزایی دانش و تقسیم آن گردد.

\* ایجاد نظام نوآوری و ابداع پویا و کارا نیز لازمه پژوهش است. در جوامع دانش محور، پژوهش ها باید منجر به اختراع شده و با ورود به عرصه اجتماع، بستر تولید ثروت را فراهم آورد و بتواند تجاری سازی گردد.

\* پژوهش و نوآوری باید منطبق با نیازهای محلی و بومی باشد. به عبارتی در فرآیند پژوهش، باید تجارب و دانش جهانی بررسی گردیده و سپس با نیازهای محلی تطبیق پیدا کند و به خلق فناوری های نوین منجر شود.

\* در جامعه دانش محور، فاصله تحقیق و پژوهش با محیط های صنعتی و تولیدی حذف می گردد و علاوه بر اینکه از موجودی دانش دنیا به بهترین شکل استفاده می نماید، بر موجودی دانش نیز می افزاید.

\* تخصیص منابع در پژوهش نیز بهینه انجام گرفته و از اقدامات موازی و تکراری پرهیز می گردد چرا که دانش به اشتراك گذاشته شده و به آسانی می توان از دانش و تجربه و سایر پژوهش ها استفاده نمود.

\* نتایج پژوهش ها و تحقیقات به صورت بایگانی و به صورت محرمانه باقی نمی ماند بلکه در فرآیند تسهیم دانش شریک می شود تا دیگران بتوانند از آن بهره برداری نموده و آن را توسعه بخشند.

\* پژوهش و نوآوری محدود به قشر یا سازمان یا مراکز عملی نمی گردد بلکه همه افراد، خلاق و نوآور بوده و مشارکت، تعامل و پشتیبانی مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاه ها و سازمان های اجرایی در تسهیم دانش و ابداع و نوآوری در جامعه از ویژگی های آن است. در شهر دانش محور، مؤسسات پژوهشی در تلاشند تا بهترین پژوهشگران و اعتبارات را جذب کنند در حالی که دانشگاه ها به صورت روز افزون برای جذب بهترین دانشجویان و استادان با یکدیگر رقابت می کنند و هر کدام تلاش دارند تا دانش موجود را افزایش داده و از دانش دیگران نیز به بهترین نحو، بهره جویند.

برترین شاخص توسعه یافتگی، امروزه به نظم تولیدی پژوهش محور اختصاص دارد و کشور توسعه یافته کشوری است که درصد بیشتری بر موجودی دانش دنیا بیفزاید و مقدار بیشتری از دانش تولید شده را در قالب فناوری های نوین و مدرن در صحنه تولید عملیاتی کند. لذا جهت تبدیل شدن به شهر دانش مدار، تغییر در نگرش ها و افکار بخشی و دستگاهی و لزوم همگرایی و تعاملات و هم اندیشی های مختلف و فراهم آوردن زیرساخت های شهر دانش مدار از الزاماتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در این رویکرد، شهرها، باید با مدیریت دانش خود، تصمیم های بهتری اتخاذ نمایند، تکرارها را کاهش دهند، نوآوری را افزایش داده و به یکپارچگی و همکاری و بهره وری بالایی دست یابند و این امر جز از طریق پژوهش میسر نخواهد شد و تنها با استفاده از مطالعات و پژوهش است که می توان برای تحقق مدیریت دانش محور شهری گام بزرگی برداشت.

# دانش محوری حلقه نوین توسعه اقتصاد شهری

L علی فیروز زارع

جهان امروز شاهد رقابت گسترده ای، به منظور دستیابی به منابع کمیاب و محدودی است که مسیر رشد بلندمدت و پایدار هر واحد اقتصادی را تضمین می کند. بنابراین در نگاه اول شاید واحدی را موفق ارزیابی کنیم که بتواند سهم بیشتری را در کسب منابع مختلف به خود اختصاص دهد. اما آیا به راستی این گونه است؟ تجربه و اندکی تأمل در این حوزه می تواند افق های دیگری را فراروی دیدگان ما پدیدار سازد. نگاهی به تجارب موفق جهانی حاکی از این است که بهترین مسیر رشد اقتصادی، مسیری است که بهترین ترکیب سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را با سطح قابل قبولی از بهره وری به کار گرفته و هدایت نماید. این تجربه ها نشان از این دارد که کشورهایی که یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه یعنی ارتقای بهره وری را در سرلوحه اقدامات خود قرار داده اند، حتی با سطح دسترسی کمتر به نمودهای مختلف سرمایه فیزیکی و انسانی، موفقیت بیشتری به دست آورده اند. در این راستا واژه ای که امروزه در ادبیات اقتصاد جهانی بسیار مطرح می شود، واژه اقتصاد دانایی یا اقتصاد دانش محور است. این واژه که ذیل عنوان جامعه دانایی محور تعریف می شود، از جمله مفاهیمی است که در سال های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان و محققان را به خود جلب نموده است. لازم به ذکر است که افزایش دانش به تنهایی سبب دانایی محور شدن اقتصاد نمی شود، بلکه بهره گیری از این دانش شرط اساسی اقتصاد دانایی محور می باشد. هدف اقتصاد دانش محور ایجاد جامعه دانش محور است. در این مفهوم، دانش، مرکز جامعه و سنگ بنا و اساس کلیه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی است و هم راستا با خلاقیت و نوآوری نقشی فزاینده و مهم در تولید و رشد پایدار ایفا می نماید. نیل به دانش محوری اقتصاد میسر نخواهد بود مگر با طراحی نظام داده ای منسجم، به روز و کارآمد، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه گذاری در حوزه پژوهش و توسعه و بهره گیری از نتایج آن در اصلاح ساختارها، بهبود روش ها و آموزش نیروی انسانی، ارتقاء توان رقابتی در عرصه بین المللی و پاسخ گویی سریع به تغییرات تقاضای محلی، ملی و بین المللی. امروزه یکی از مهم ترین نموده های دانش در اداره امور اقتصادی جامعه برخورداری از سند راهبرد توسعه اقتصادی (EDS) است.

بررسی ها نشان می دهد که اکثر شهرهایی که توانسته اند مسیر توسعه اقتصادی خود را به بهترین شکل ممکن طراحی و طی نمایند، از چنین اسنادی در مدیریت شهری خود بهره می جسته اند، چرا که با شناخت و تحلیل وضع موجود خود توانسته اند مناسب ترین اهداف را انتخاب و بهترین مسیر را با کمترین هزینه ممکن برای دستیابی به این اهداف برگزینند. ناگفته پیداست که چنین شهرهایی از ساختار مدیریتی بسیار قوی در حوزه مباحث تحقیق و توسعه (R&D) و نظام نوآوری مناسب برخوردار می باشند و در این زمینه اقدامات مناسبی را جهت تدوین قوانین و مقررات تسهیل کننده انجام داده اند.